شهرآرا
روزنامه
شهرامید
وزندگی
۳شنبه
۳ تیر ۱۳۹۹
۱ ذی‌القعده ۱۴۴۱
شماره ۳۱۳۳
SHAHRARANEWS.IR

اخبار کوتاه

زن کانادایی منجی یک زندانی زن در مشهد

زنی که از چندی پیش به علت جرائم غیرعمد در زندان مشهد محبوس بود، با اقدام خیرخواهانه یک زن کانادایی از زندان آزاد شد. بر اساس آنچه ستاد دیه خراسان‌رضوی اعلام کرد، این مددجو به دلیل جرائم غیرعمد و با شکایت شاکی خصوصی به علت بدهی راهی زندان می‌شود. مسئولان این ستاد نیز با تشکیل پرونده برای این مددجو، مقدمات لازم برای جذب کمک‌های مردمی به منظور آزادی او را مهیا می‌کنند. در مقابل زنی ایرانی که ساکن کشور کاناداست، برای مسافرت به مشهد می‌آید. او در این سفر با مراجعه به ستاد دیه خراسان‌رضوی آمادگی خود برای کمک به آزادی زندانیان را اعلام می‌کند. این زن خیّر پس از مطالعه پرونده این مددجو متوجه می‌شود که تنها یازده میلیون و پانصد هزار تومان از بدهی او مانده است، زن خیر با پرداخت این میزان بدهی، زندگی جدیدی به این مددجو اهدا کرد و زمینه آزادی او را فراهم کرد. زن کانادایی تنها دلیل و انگیزه این اقدامش را شادی و آرامش روح همسر و فرزندان متوفایش بیان کرد.

شکارچی کبک همیار محیط‌بانی می‌شود

فردی که با شکار غیرمجاز کبک، به محیط‌زیست خسارت زده بود، به جای حبس محکوم به انجام خدمات عمومی در محیط زیست شد. این فرد ازسوی محیط‌بانان تربت‌حیدریه دستگیر و لاشه ۴ قطعه کبک از او کشف شده بود. قاضی پرونده متهم را به ۴ ماه حبس تعزیری محکوم کرد اما با توجه به پشیمانی و نداشتن سابقه کیفری او، حکم جایگزین به جای حبس و انجام ۲۰۰ ساعت خدمات عمومی رایگان در اداره محیط زیست شهرستان تربت‌حیدریه تعیین شد.

مأموران یگان حفاظت محیط‌زیست شهرستان بجستان هم طی پایش منطقه حفاظت شده هلالی، متوجه حضور ۳ نفر در ارتفاعات شدند که مشغول دوربین‌کشی و رصد حیات‌وحش بودند. در همین راستا نیروهای یگان حفاظت محیط زیست پس از دستگیری شکارچیان از آن‌ها یک قبضه اسلحه گلوله‌زنی برنو ۲۷۰، یک دستگاه دوربین شکاری، دو تیر فشنگ را کشف و ضبط کردند.

داستان پلیسی

پنجره‌های بی‌حفاظ

(قسمت سوم)

ایلیا موسایی

پرده اول

پیام‌هایی که برای زهرا می‌آمد ابتدا فقط اس‌ام‌اس بود؛ شعر و جملات عاشقانه، گاهی احوال‌پرسی یا سؤال‌هایی صمیمی که در انتظار جواب باقی می‌ماند چون زهرا به هیچ‌کدامشان جواب نمی‌داد. بعد کم‌کم تبدیل شد به پیغام‌های تصویری در تلگرام. و از هفته قبل وقتی زهرا ویدئویی را باز کرد، باورش نمی‌شد کسی چنین چیزی برای او بفرستد. ویدئو و عکس‌هایی که می‌رسید مستهجن بود. و همین‌ها بود که زهرا را به کلانتری و دادگاه کشاند تا شکایت کند.

آن روز صبح، فرزانه آماده شده بود که بیرون برود. زهرا جلوی راهش را گرفت. گفت: «کجا میری؟»

«بیرون کار دارم؟»

بی‌بی آن طرف‌تر روی ویلچر نگاهشان می‌کرد و لبخند به لب داشت.

«فرزانه من یه چیزی ازت خواسته بودم... الان وقتشه که دست بکشی از کاری که داری انجام میدی. اگر بخوای ادامه بدی منم مجبور می‌شم یک کاری بکنم.»

فرزانه کیفش را گذاشت زمین. «چی مثلا؟ می‌خوای منو به چیزی تهدید کنی که نمی‌تونی ثابت کنی!»

زهرا فقط نگاهش کرد. فرزانه گفت: «اولا تو و بی‌بی اگر جایی برای موندن دارین از صدقه‌سری من و کامرانه. بعدشم تو بهتره جل و پلاس خودتو جمع کنی. فکر کردی نمی‌بینم هرروز برات پیام میاد. این کیه پیله کرده بهت؟ حتما یه چیزی زیر سر داری دیگه»

بی‌بی آرام چیزی گفت که شنیده نشد. زهرا کیف فرزانه را از روی زمین برداشت و به دستش داد. راه را برایش باز کرد. گفت: «قضیه خونه و صدقه‌سری تو و کامران بمونه برا یک وقت دیگه چون خیلی چیزا رو نمی‌دونی... آره من یه مزاحم دارم که ازش شکایت کرده‌ام. فردا پس‌فرداست که دستگیرش می‌کنن. بعدشم محض اطلاعِ من مجردم. تو چی خانم خونه؟ اگر فکر می‌کنی داری کار درستی انجام میدی به قول و قرارات ادامه بده... ولی من کاری که فکر می‌کنم درسته رو انجام میدم.» فرزانه راه کشید و کفش‌هایش را به پا کرد. گفت: «چیه می‌خوای بری به کامران بگی؟» کیفش را همانجا روی زمین انداخت و دستش را جلوی گلویش گرفت. «ببین به اینجام رسیده» و بلند گریه کرد. به دیوار تکیه داده بود. یک پایش کفش بود و پای دیگر همانطور بدون کفش. گریه‌اش بلندتر شد و سرآخر همانجا نشست. می‌خواست چیزی بگوید اما نمی‌توانست. زهرا نگاهش کرد. بعد رفت و کنارش نشست. فرزانه گفت: «به‌خدا... دیگه نمی‌کشم» گوشی را از توی کیفش بیرون آورد. باز کرد و به دست زهرا داد. گفت: «نگاش کن» ویدئوی کوتاهی بود. زهرا گوشی به دست میخکوب شده بود. گفت: «فرزانه تو با خودت چیکار کردی؟» فرزانه فقط گریه می‌کرد. «تو شوهر داری... بچه داری... این چیه فرزانه؟»

فرزانه دستمالی بیرون آورد و بینی‌اش را گرفت. «اگر نرم اذیتم می‌کنه. من الان تو لجنی‌ام که دیگه نمی‌تونم پا پس بکشم»

زهرا یک لحظه به بی‌بی نگاه کرد و رویش را برگرداند. گفت: «داره اخاذی می‌کنه ازت؟»

فرزانه سر تکان داد. زهرا گفت: «پول؟»

«آره»

«این کثافت کاریا چی؟ ادامه داره هنوز؟»

«هربار تهدید می‌کنه این ویدئوها رو برای کامران می‌فرسته» فرزانه دست‌هایش را روی صورتش گذاشت و بلند گریه کرد.

پرده دوم

مردی که توی دادگاه احضار شده بود اصلا آشنا نبود. موهای جلوی سرش ریخته بود و ظاهر ساده‌ای داشت. فامیلش «قادری» بود. هر سؤالی که قاضی پرسید، در جواب گفت: «به‌خدا نمی‌دونم آقای قاضی. من اصلا ایشونو نمی‌شناسم. سرم تو کار خودمه. من کجا و مزاحمت کجا؟! اونم اینجوری‌اش» تمام اتهامات را انکار کرد ولی تأیید کرد که شماره تلفن خودش است. هزار قسم و آیه که کار خودش نبوده. زهرا ویدئوها را روی سی‌دی آورده بود. گفت: «آقای قاضی من به هیچ‌کدوم از پیامای ایشون جواب ندادم اما فایده نداشت دست‌بردار نبود. برعکس جری‌تر شد تا جایی که شروع کرد این ویدئوها رو برام فرستادن. همه مستهجن و...»

مرد به قید وثیقه آزاد شد تا جلسه آینده که حکم صادر شود. زهرا از پله‌های دادگاه زیر آفتاب روشن بهاری بیرون آمد آن روز سر کلاس وقتی حاضرغایب می‌کرد به کلمه «قادری» توی لیست دانش‌آموزهایش رسید.

ادامه دارد...

با اسکن کد قسمت دوم داستان را در اینجا بخوانید

با اسکن کد قسمت اول داستان را در اینجا بخوانید

سرقت بزرگ با سناریوی آقای مهندس!

۵۳ دستگاه نمایشگر چهل اینچی، یک‌شبه در یک پروژه ساختمانی مشهد غیب شدند

مهدی قرآنی
m.ghorani@shahraranews.ir

همه ال.سی.دی‌ها از داخل اتاق‌ها غیب شده بودند. مثل مزرعه‌ای که ملخ تنها گندم‌هایش را خورده باشد، سارقان هرچه ال.سی.دی ۴۰ اینچ در پروژه ساختمانی بود را با خود برده بودند. انگار فقط برای همین آمده بودند و هیچ کاری به پرونده‌ها و حتی اسناد، چک‌ها و مدارک نداشتند. نه قفلی شکسته شده بود و نه دوربین‌های مداربسته تصویری از آن‌ها گرفته بودند. انگار که آن‌ها از قبل می‌دانستند دوربین‌های پروژه کدام قسمت از ساختمان را پوشش می‌دهند برای همین هم مو لای درز کارشان نمی‌رفت.

پای پلیس به میان آمد و خیلی زود مأموران کلانتری آستانه‌پرست مشهد در محل جرم حاضر شدند. بررسی‌های اولیه بر اساس شواهد و ادله موجود همگی نشان از این موضوع داشت که سارق یا سارقان آگاهی کاملی به پروژه و رفت و آمد افراد و ساعات تعطیلی آن داشته‌اند. سارقان سعی کرده بودند از خود ردپایی در محل باقی نگذارند اما در تحقیقات نفر به نفر مأموران مشخص شد که یکی از افراد مرتبط با این پروژه ساختمانی در حال احداث درست زمان سرقت داخل مجموعه بوده است. ضد و نقیض گویی این فرد و شواهدی همچون خاموش بودن دوربین‌های مداربسته در زمان سرقت و بازشدن درهای مجموعه با کلید، ظن پلیس را بر آن داشت که احتمالا این فرد در این سرقت نقش داشته باشد. موضوع تحقیقات به مقام قضایی اعلام شد و مظنون پرونده که حاضر به همکاری با مجریان قانون نبود تا روشن شدن زوایای پنهان این سرقت راهی زندان شد.

کرایه نیسان برای سرقت

برخلاف اینکه سارقان به ظاهر کارشان را بی‌عیب و نقص انجام داده بودند اما دوربین‌های مداربسته چند مغازه زمان ارتکاب جرم را به ثبت رسانده بودند که همین سرنخ مأموران پلیس را در یک قدمی دستگیری متهمان قرار داد. در استخراج تصاویر ضبط شده دوربین‌های مداربسته مشاهده شد که یک دستگاه خودروی نیسان آبی زمانی که پروژه ساختمانی تعطیل بوده در مقابل آن می‌ایستد و افرادی نقاب‌دار وارد ساختمان شده و یکی‌یکی و بدون هیچ نگرانی ال.سی.دی‌ها را بار نیسان می‌کنند. مجریان قانون با بررسی شماره پلاک نیسان وانت آبی، رد آن را در یکی از خیابان‌های مشهد می‌زنند و آن را متوقف می‌کنند. راننده نیسان اما از همه‌جا بی‌خبر به افسر تحقیق این پرونده گفت: «چند شب پیش دو مرد ناشناس که ماسک به صورت داشتند خودروام را برای انتقال بار از یک پروژه ساختمانی در مرکز شهر مشهد کرایه کردند.» راننده نیسان در ادامه اظهاراتش به پلیس گفت که ال.سی.دی‌ها را به میدان حافظ منتقل کرده و در آنجا بار را به راننده یک خودروی مزدا وانت تحویل داده است. پیگیری‌های پلیس خیلی زود نتیجه داد و مأموران توانستند با استخراج فیلم دوربین‌های طرح ترافیک رد خودروی وانت مزدا را در یکی از خیابان‌های پیروزی بزنند. خانه مورد نظر شناسایی شد و مأموران با حکم قضایی وارد آن شدند. تیم بررسی کننده پس از بازرسی کوتاهی از محل تعداد ۱۰ دستگاه ال.سی.دی که متعلق به پروژه ساختمانی مورد نظر بود را در این خانه مسکونی کشف و ضبط کردند.

دپوی ال.سی.دی‌ها در خانه متهم اصلی

کشف ال.سی.دی‌های سرقتی از خانه‌ای مسکونی در بولوار پیروزی خیلی زود هویت متهم اصلی این پرونده را فاش کرد و در پیگیری‌های بعدی مشخص شد مالک محل دپوی اموال مسروقه همان فردی است که دقایق ابتدایی تحقیقات پرونده دستگیر و اکنون در زندان است. متهم که دیگر دستش برای قانون رو شده بود به ناچار به حرف آمد و ۳ همدستش که در این سرقت نقش داشتند را لو داد. مأموران دایره تجسس کلانتری آستانه‌پرست مشهد با همکاری پلیس آگاهی با استفاده از سرنخ‌های به دست آمده دیگر متهمان این پرونده را هم دستگیر کردند.

انتقال اموال دزدی با پارس و پراید ۱۱۱

فرمانده انتظامی مشهد در تشریح دیگر ابعاد مبهم این پرونده گفت: ۳ مجرم به دام افتاده در بازجویی‌های پلیسی ضمن قبول اتهام خود به سرقت ال.سی.دی‌ها به درخواست متهم ردیف اول که فردی مرتبط با پروژه ساختمانی مورد نظر است، اعتراف کردند. سرهنگ عباس صارمی ساداتی ادامه داد: مأموران دایره تجسس کلانتری آستانه‌پرست در این عملیات تعداد ۵۳ دستگاه ال.سی.دی ۴۰ اینچ را کشف کردند. این مقام ارشد نظامی مشهد بیان کرد: ۳ نفر از متهمان به دام افتاده این پرونده تعدادی از ال.سی.دی‌ها را با ۲ دستگاه خودروی سواری پژو پارس سفید و پراید ۱۱۱ سفیدرنگ به مخفیگاه‌های خود انتقال داده بودند. به گفته سرهنگ صارمی هنوز علت این سرقت و انگیزه متهم اصلی پرونده از ارتکاب جرم مشخص نیست و تحقیقات پلیس برای روشن شدن زوایای مبهم این پرونده ادامه دارد.

عکس تزئینی است

اخبار جهان

هفته مرگ‌بار افغانستان

افغانستان | فارس | شورای امنیت ملی افغانستان با بیان اینکه هفته گذشته مرگ‌بارترین هفته طی ۱۹ سال گذشته برای نظامیان این کشور بود، اعلام کرد: ۲۹۱ نظامی در حملات طالبان تنها در ۷ روز کشته شدند. جاوید فیصل، سخن‌گوی شورای امنیت ملی افغانستان در این باره گفت: طالبان در هفته گذشته ۴۲۲ حمله در ۳۲ ولایت افغانستان انجام داده که ۲۹۱ نظامی در این حملات ۵۵۰ تن دیگر نیز زخمی شدند. البته به گفته شورای امنیت ملی افغانستان در همین هفته ۴۲ غیرنظامی نیز جان باخته‌اند.

آتش‌سوزی پایگاه آمریکایی در ژاپن

ژاپن | ایسنا | ارتش آمریکا روز گذشته از آتش‌سوزی یک انبار محصولات خطرناک در پایگاه نیروی هوایی آمریکا در اوکیناوای ژاپن خبر داد. رسانه‌های ژاپنی اعلام کردند که دود حاصل از این آتش‌سوزی ساعت‌ها در آسمان مشاهده می‌شد. هم‌زمان با ورود آتش‌نشانان به این پایگاه، تمامی نیروهای آمریکایی از منطقه تخلیه شدند. این پایگاه، بزرگ‌ترین پایگاه نیروی هوایی آمریکا در شرق دور است و بیش از نیمی از ۵۰ هزار نیروی آمریکایی حاضر در ژاپن در آن مستقر هستند.

زنده ماندم کودک پس از سقوط از طبقه ۲۹

چین | باشگاه خبرنگاران | والدین یک کودک چهار ساله چینی پس از سپردن فرزندشان به مادربزرگ سر کار رفتند. مادربزرگ به مدت ۱۵ دقیقه به منظور خرید نان این کودک را در خانه تنها می‌گذارد که پسربچه بازیگوش پس از رفتن روی کابینت خودش را از پنجره طبقه ۲۹ به بیرون می‌اندازد. پسربچه پس از سقوط از ارتفاع نود متری روی درختان مقابل برج و سپس درون باغچه می‌افتد. این کودک به دلیل نارسایی تنفسی، شکستگی دنده، ضربه مغزی به مدت یک هفته در کما بود که خوشبختانه از کما خرج شده و نجات یافت.

معمای پلیسی

کدام راننده مقصر است؟

موسایی | در یک خیابان ۳ ماشین با یکدیگر تصادف کرده‌اند. خیابان خلوت بوده و زمانی که یک سگ ولگرد قصد عبور از خیابان را داشته، خودرو سمند نقره‌ای ترمز گرفته و ناگهان پرایدی که پشت سمند بوده متوقف شده اما پیکان وانت سفیدرنگ کنترل خود را از دست داده و از قسمت عقب به پراید برخورد کرده و همین امر باعث شده تا پراید هم به خودرو جلویی آن، یعنی سمند نقره‌ای برخورد کند.

هر ۳ خودرو صدمه دیدند و بعد از این ماجرا ماشین پراید که متوجه تصادف پشت سرهمَ ۳ خودرو شد با سرعت از صحنه تصادف متواری شد. حالا خودروهایی که در صحنه مانده‌اند عبارت‌اند از: سمند نقره‌ای که جلوتر از همه بوده و پیکان وانت که از پشت به پراید زده است.

راننده وانت با راننده سمند نقره‌ای گلاویز شده و او را مقصر می‌داند. حالا که خودرو پراید متواری شده، خسارت این تصادف را چه کسی باید پرداخت کند؟

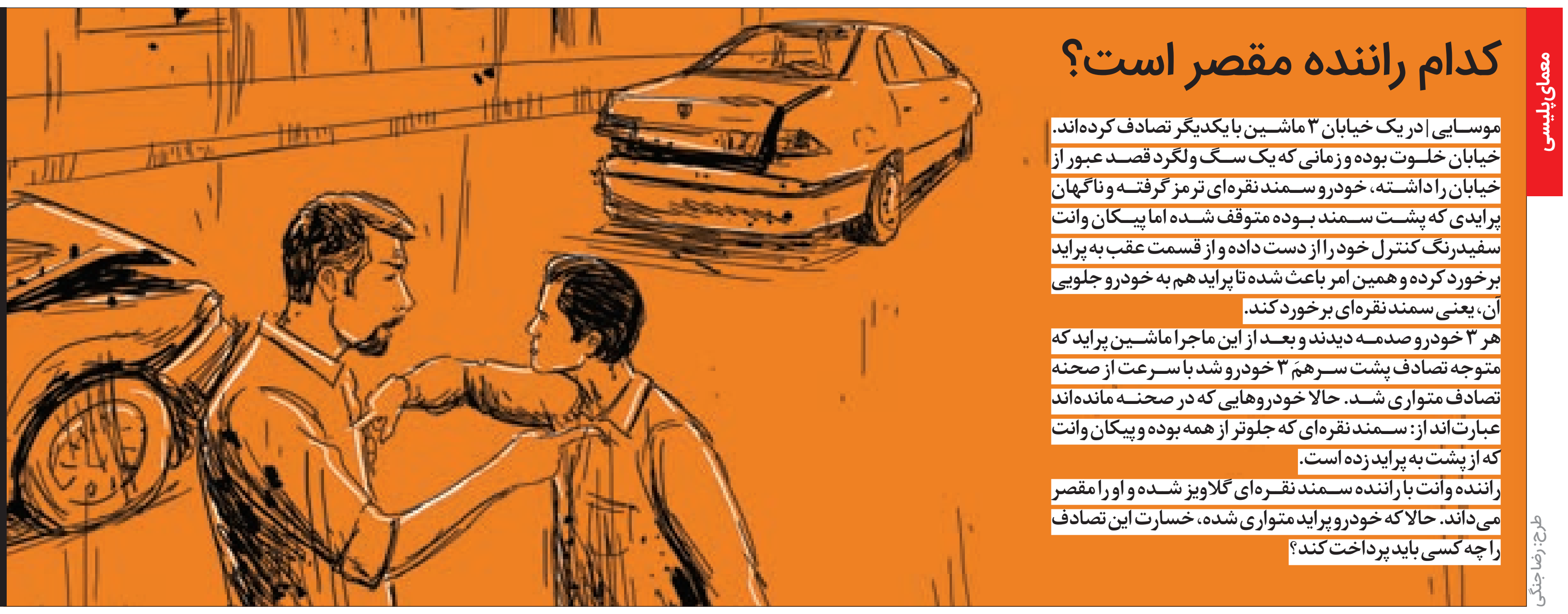

طرح: رضا جنگی

لطفا پاسخ خود را به شماره ۳۰۰۰۷۲۸۹ پیامک کنید.

پاسخ معمای یکم تیرماه «قتل در خانه دانشجویی»: روی کف دست قاتل و انگشتانش رد سیمی باقی مانده که برای خفه کردن مقتول استفاده شده بود.

جدول شماره: ۲۹۵۷

طراح: امیرعباس واسعی

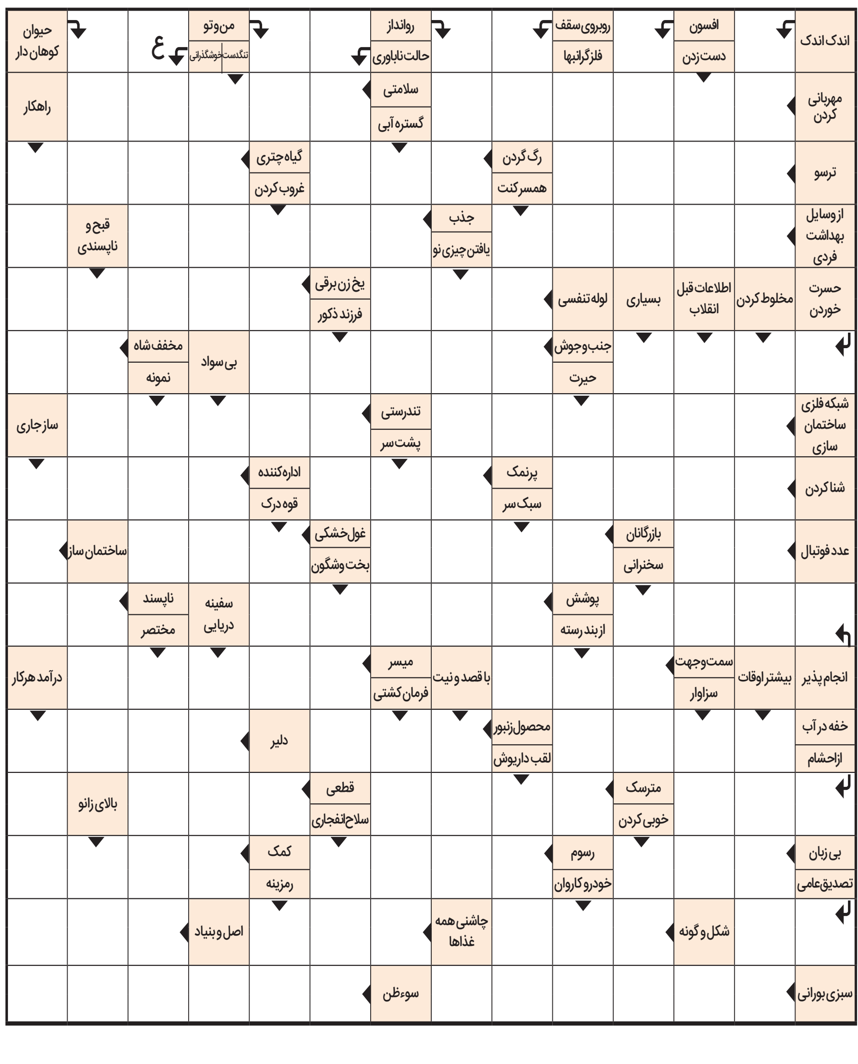

اندک اندک
مهربانی کردن
افسون
دست زدن
روبروی سقف
فلزگرانبها
حالت ناباوری
روانداز
سلامتی
گستره آبی

سردار حسن مهری، فرمانده پلیس فرودگاه کشور: دو رمال و دعانویس در فضای مجازی که به وسیله آلات و ادوات شیطان‌پرستی از هم‌وطنان اخاذی می‌کردند و بیش از یک میلیون دنبال‌کننده داشتند، از سوی پلیس فرودگاه در شمال کشور دستگیر شدند. این افراد تاکنون ده‌ها میلیارد ریال کلاهبرداری کرده‌اند.

سودوکو شماره ۵

۱	۸				۴	۶		
			۲			۱		
		۶	۵	۷		۴		
۵	۷		۶				۸	۲
				۸			۷	
		۸			۶			
۶	۳	۵	۴					
		۷	۸	۵			۳	

پاسخ سودوکو شماره ۵

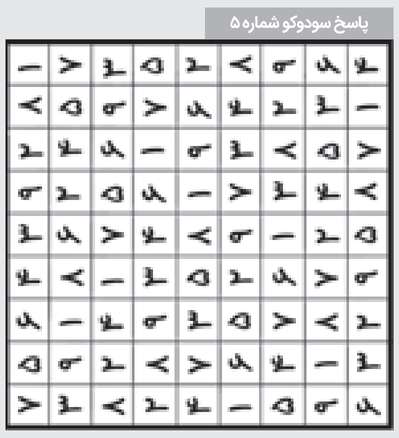

پاسخ جدول ۲۹۵۶

طراح: محمدرضا علیزاده

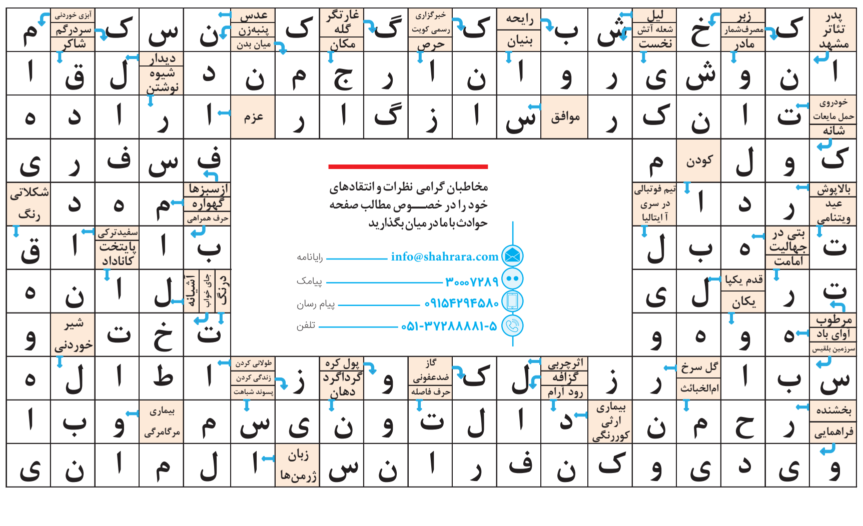

مخاطبان گرامی نظرات و انتقادهای خود را در خصوص مطالب صفحه حوادث با ما در میان بگذارید

info@shahrara.com — رایانامه
۳۰۰۰۷۲۸۹ — پیامک
۰۹۱۵۴۲۹۴۵۸۰ — پیام رسان
۰۵۱-۳۷۲۸۸۸۸۱-۵ — تلفن